

نام کتاب: نگینه و ستاره (مجموعه داستانی)
نویسنده: پروین پژواک
چاپ دوم خزان ۱۳۸۲ خورشیدی، کانادا
کتاب با این سطر ها آغاز میشود:

"شبی در کودکی ستاره کوچکی از آسمان میان دستانم سقوط کرد و من آن را در
باغچه حویلی ما کاشتم.
ستاره را کسی ندید، چه روز در نور آفتاب پنهان بود و شب که بر باغچه نور
میپاشید، جز من کسی بیدار نبود.
اکنون آن ستاره بزرگ گشته و شگوفه نموده است. شگوفه های آن با رنگ گرما و با
عطر نور.
چون شگوفه های به ثمر رسیدند، هر رهگذری را میوه یی از نور خواهم بخشید تا
هسته اش را در خاک بکارد و باغی از ستاره در زمین بروید."

در این مجموعه میخوانید:

نگینه و ستاره
تاریخته
نشانی
دیوانه
دیوار سیاه
از پشت عینک
پنجره چلیپا خورده
درخت زمرد
چشم سوم
و بوت ها به خانه برگشتند
درختی که میوه اش توپ بود
سرخ پوشان بهشت